اعلال

در شماره قبل مجله رشد عربی وعده شد که روش تدریس اعلام ناقص را تقدیم کنم.اینک به حول و قوهء الهی مطلب را باهم دنبال می‏کنیم.

برای تدریس این عنوان،بهتر است قبل از هرچیز معلم تعدادی فعل‏ ناقص واوی و یایی را در دو ستون بنویسد و برای جلب توجه دانش‏آموزان، حرف آخر هر فعل را با رنگ قرمز(یا هر رنگ دیگری به شرط اینکه‏ همرنگ حروف دیگر فعل نباشد)متمایز کند.برای مثال:

رجو/رمی

رضو/رضی

تلو/هدی

خطو/جری

دنو/شفی

و پس از معنی کردن آنها از دانش‏آموران سؤال کند:وجه اشتراک‏ تمام این افعال چیست؟

به احتمال قوی پاسخ خواهد شنید که«همهء افعال معتل هستند». آنگاه سؤال می‏کند:وجه افتراق آنها چیست؟

باز ممکن است پاسخ دهند که:«آخرین حرف گروه اول«واو»و آخرین‏ حرف گروه دوم«ی»است.»

دانش‏آموزان قبلا با اصطلاح«ناقص»آشنا شده‏اند؛از این‏رو معلم‏ می‏تواند بگوید:

«کلمه‏ای که آخرین حرف آن حرف علّه باشد،«ناقص»نام دارد و ناقص یا«واوی»است یا«یایی».فعلی که ناقص باشد،به هنگام صرف با مشکلاتی روبرو می‏شود که لازم است این مشکلات برطرف شوند.

همانطور که می‏دانید به کمک اعلال و قواعد مربوط به آن صرف چنین‏ افعالی امکان‏پذیر است.اکنون برای مثال یک فعل ناقص واوی و یک‏ فعل ناقص یایی را(در ماضی مجرد)صرف می‏کنیم.

سپس معلم ابتدا فعل«رجو»را روی تخته سیاه می‏نویسد و از دانش‏آموزان می‏خواهد که در آن با دقت بنگرند و بگویند آیا این صیغه‏ نیاز به اعلال دارد یا نه؟

طبعا جواب خواهند داد که«واو متحرک ما قبل مفتوح قلب به الف‏ می‏شود».و معلم با شنیدن این جواب،اعلال به قلب را انجام می‏دهد.

(البته می‏تواند یکی از دانش‏آموزان را به پای تخته ببرد و از او بخواهد به هنگام صرف چهارده صیغه فعل«رجو»هرجا لازم بود اعلالی صورت‏ گیرد،باتوجه به مطالبی که قبلا فراگرفته،انجام دهد).

1-رجو-رجا

2-رجوا-رجوا(در اینجا لازم است برای دانش‏آموز توضیح‏ داد که اعلال صورت گیرد،واو به الف مبدل می‏شود-رجاا.و یکی از الف‏ها به دلیل التقای ساکنین حذف می‏گردد و شکل به دست حرف علّه باشند،آن را لفیف می‏نامند.و چنانچه این دو حرف با فاصله‏ قرار گرفته باشند،لفیف مفروق ولی اگر در کنار هم باشند لفیف مقرون‏ نام دارد.یا:

 سپس برای صرف لفیف مقرون در چهارده صیغهء ماضی و مضارع‏ جدول زیر بر روی تخته سیاه ترسیم می‏شود و همزمان توضیحات لازم‏ ارائه می‏گردد(البته می‏توان قبلا این جدول را بر روی مقوایی بزرگ‏ نوشت و به کلاس برد).

**ملاحظه:**

ممکن است دانش‏آموز در مورد کلمه«کوی»سؤال کند که چرا «واو»کوی که متحرک و ماقبل مفتوح است،قلب به الف نشد؟

در اینجا معلّم توضیح خواهد داد که در لفیف مقرون اعلال فقط روی‏ حرف علهء دوم انجام می‏پذیرد.

البته معلم باید منتظر بماند تا دانش‏آموزی این سؤال را مطرح کند نه‏ اینکه خود در همان آغاز صرف فعل مسأله را توضیح دهد.اما چنانچه‏ کسی متوجه این موضوع نشد،در پایان معلم با این عبارت که«راستی‏ بچه‏ها،چرا حرف واو در این فعل باوجود اینکه متحرک و ماقبل مفتوح‏ است،اعلال نشد؟»ولی پس از چند لحظه نکتهء مربوط به آن را برایشان‏ توضیح دهد.ضمنا می‏تواند برای روشن شدن علت عدم انجام اعلال،آن‏ را اعلال کند یعنی بنویسد:

کوی-کای-کای-کی

و سپس بگوید کلمه«کی»هر معنایی داشته باشد،به معنی«کوی» نیست و به همین دلیل اعلال نمی‏شود.

پس از صرف فعل لفیف مقرون،نوبت به صرف فعل لفیف مقرون می‏رسد.

برای صرف این فعل باز معلم می‏تواند جدولی شبیه جدول قبلی را به‏ صورت آماده با خود به کلاس بیاورد و توضیحات لازم را به دانش‏آموزان‏ ارائه کند و یا اینکه این جدول را بر روی تخته سیاه ترسیم کرده و هر مورد را با دانش‏آموزان در میان بگذارد:

 برای اینکه دانش‏آموزان بر صرف و اعلال لفیف مقرون و مفروق‏ تسلط کامل حاصل کنند،معلم می‏تواند تعدادی از افعال مشابه را بر روی تخته سیاه نوشته و از دانش‏آموزان بخواهد آنها را در منزل صرف‏ و اعلال کنند و در جلسه بعد این افعال توسط چند تن از دانش‏آموزان بر روی تخته سیاه صرف و اعلال شود.

نکته‏ای که در پایان ذکر می‏دانم این است که بحث قواعد عربی‏ هرچه مفصل‏تر ارائه شود موجب ملال بیشتر دانش‏آموزان می‏گردد.

بنابراین باید سعی کرد حتی الامکان این قواعد را به صورت فرمولهای‏ ساده درآورد ولی تمرینهای بیشتری را به آن اختصاص داد تا آموزش به‏ صورت عملی انجام پذیرد و قواعد بر اثر تکرار کاربرد در ذهن دانش‏آموز تثبیت شود.

این اصل در تدریس قواعد اعلال که از نظر دانش‏آموزان مشکل‏ترین‏ قسمت قواعد عربی است باید کاملا در مدنظر قرار گیرد.

با امید به اینکه این سری مطالب توانسته باشد مفید واقع شود،برای‏ همهء شما عزیزان توفیق خدمت به زبان وحی را از خداوند مسألت می‏نمایم.